

فرهنگ عامه مردم مازندران

خواشی از منظر روانشناسی، اسطوره
شناسی و زبان‌شناسی

سید حمزه کاظمی سنندھی

سرشناسه: کاظمی سنگدهی، سیدحمزه، ۱۳۶۱

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ عامه مردم مازندران: خوانشی از منظر روانشناسی، اسطوره شناسی و

زبانشناسی / سیدحمزه کاظمی سنگدهی

مشخصات نشر: ساری: سید حمزه کاظمی سنگدهی، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۱۲۵ ص

شابک: ۶-۵۴۰۳-۰۴-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیمپا

داشت: کتابنامه

موضوع: فرهنگ عامه - ایران - مازندران - اساطیر

موضوع: folklore-iran-mazandaran-mythology

رده‌بندی: GR۲۹۱/م۲۵۲۰۱۳۹

رده‌بندی دیوپی: ۲۰۹۵/۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۹۲۰۸

فرهنگ عامه مردم مازندران: خوانشی از منظر روانشناسی، اسطوره شناسی و زبانشناسی

سید حمزه کاظمی سنگدهی

ویراستار: صدیقه (آوا) صداقت

طرح جلد صفحه آراء: صدیقه (آوا) صداقت

چاپ نخست - ۱۳۹۵ - ۱۰۰۰ نسخه

ناشر: مولف

تماس با ناشر: ۰۹۳۵۳۸۰۲۰۶۵

فهرست

مقدمه

مقدمه فولکلور	۷
مقدمه روانشناسی	۱۱
مقدمه اسطوره شناسی	۲۶

فصل اول:

بررسی روانشناختی و اسطوره شناختی باورهای مردم مازندران ارتباط با "کفشدوزک"	۳۷
--	----

فصل دوم:

بررسی مکانیسم روانشناسانه شبیه خوانی	۶۱
--------------------------------------	----

فصل سوم:

کارکرد نمادین "سنگ صبور" در یکی از افسانه های مازندرانی با محوریت بررسی اسطوره شناختی "مرگ و تجدید حیات"	۷۷
--	----

فصل چهارم:

باورها و اعتقادات در مردم مازندران (دودانگه ساری) کیهان شناسی ارتباط "چل (چرخ نخ ریزی)" با "زمان" و "زن"	۸۸
--	----

فصل پنجم:

۹۳ بررسی باور به شورچشمی - و تاثیر اخلاق بر ارگانسیم

فصل ششم:

بررسی تفاوت لهجه و بکارگیری حروف "م" و "ن" به جای یکدیگر در زبان مازندرانی با

محوریت روانشناسی فیزیولوژیک ۱۰۴

فصل هفتم:

۱۱۰ دیو در مازندران

فصل هشتم:

شماره ای به نقش فرهنگ، در پذیرش و یا عدم پذیرش توسعه، از طریق بررسی ضرب المثلها

و موقعیت زنان مازندرانی در حال حاضر ۱۱۶

مقدمه:

عبارت فولکلور (Folklore) از یک کلمه تشکیل شده است. کلمه Folk به معنی مردم، گروه، قوم و خویش، ملت، عوام و توده مردم و lore به معنی دانش تجربی معرفت و دانسی است. با توجه به توضیح فوق فولکلور را می‌توان "فرهنگ و دانش عامه مردم مازندران" که شامل تجربیات، ضرب المثله‌ها، اشعار، افکار، عقایدی است که به صورت شفاهی جغرافیای ذهنی مردم را تشکیل می‌داده است.

فولکلور (فرهنگ عامه) اصطلاحی است که در علم مردم‌شناسی بسامد بالایی دارد و به عبارتی موشکافانه تر: «فولکلور به مجموعه‌ای از دانستنیها، باورها و رفتارهای مراسمی اطلاق می‌شود که در بین توده

مردم، بدون در نظر گرفتن فایده‌های علمی و منطقی آن، سینه به سینه و نسل به نسل به صورت تجربه‌های زندگی به ارث رسیده باشد و یا به علمی گفته می‌شود که در آداب و رسوم، سنتها، ادب و فرهنگ عامه بحث می‌کند. در واقع، مجموعه آداب و رسوم، عقاید، عادات، افسانه‌ها، حکایتها، مثلها، ترانه‌ها و اشعار عامیانه و رفتارهایی چون شوه‌های غذا خوردن، لباس دوختن و پوشیدن، آداب و رسوم کفن و دفن، مراسم عروسی و ... در شمار فولکلور هستند.» رنجبر محمود و سته ده هیت‌الله، ۱۳۸۰: ۱۱۱)

دانشمندان در این عرصه سالها تحقیق و فعالیت علمی داشته اند، ویژگیهایی را برای فولکلور برشمرده اند که به بعضی از آنها اشاره می‌شود. وارانیاک (۱۹۳۹) سدریژی برای فولکلور عنوان کرد که عبارتند از:

۱. فولکلور بر میراث و اصول تمدنی قدیمی و کهن بنا شده است.
 ۲. فولکلور با هیچ‌گونه روش علمی و انتقادی منطقی، همراه نیست؛ یعنی نه معلمی آن را تدریس می‌کند و نه آن کتاب و نوشته‌ای می‌توان آموخت؛ به علاوه، عاری از هرگونه آرایش روشمندی و بایش نظری است.

۳. این خصوصیت عدم تحول روشنفکری و نظری باعث شده است که در جریان اشاعه اصول تمدن جدید، فولکلور بدون اینکه با آنها ترکیب شود، در کنارشان قرار گیرد و در نتیجه، عناصری بسیار قدیمی را

تقریباً دست نخورده حفظ کند. این پدیده خصوصاً در هنرهای عامیانه تجلی می‌کند.» (روح‌الامین محمود، ۱۳۷۹: ۲۶۷)

وان ژنپ (۱۹۲۴) نیز خصوصياتی چند برای فولکلور برشمرده است که شامل موارد زیر می‌باشند

«۱- فولکلور، اعمال و رفتارهای جمعی و گروهی است که در بین عامه مردم رایج باشد. بنابراین عمل و رفتار یک نفر یا یک خانواده را نمی‌توان فولکلور نامید.

۲- اعمال و رفتارهای فولکلوری به مناسبت و بنابر مقتضیات تکرار می‌شود؛ یعنی آنجا که یک یا چند مرتبه یا در دوره محدودی اتفاق می‌افتد فولکلور نیست.

۳- فولکلور نه بطور خاص، بلکه در مجموعه فعالیت‌های زندگی نقشی را بر عهده دارد.

۴- ابداع‌کننده و زمان شروع رفتار و اعمال فولکلوری مشخص نیست این پدیده‌ها بوسیله عامه مردم به وجود آمده است. البته در گذشته دور مبدعی داشته ولی به مرور ایام آن شخص فراموش شده و فقط عمل او به جا مانده است.

۵- مقدار زیادی از اعمال فولکلوری بی‌ادبانه و دور از نزاکت تلقی شده و در محافل رسمی و اشرافی از انجام و بیان آنها خودداری می‌شود.»

قرائی مقدم امان‌الله، ۱۳۷۴: ۱۶۶)

مردم شناسی و فولکلور در بسیاری از جهات با یکدیگر همپوشانی دارند و شاید نتوان تفکیک روشنی از حیطه فعالیت و تحقیق فولکلور و مردم شناسی به دست داد زیرا در بسیاری از موارد موضوع تحقیق و روش و نتیجه مشابه است اما تمایزاتی نیز بین این دو حوزه وجود دارد که می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- فولکلوریست، بیشتر به جمع آوری و تقسیم بندی و مطالعه نایسه های پدیده های فرهنگی اهمیت می دهد؛ در حالی که مردم شناسی به تجزیه و تحلیل پدیده ها می پردازد.

۲- مطالعات فولکلور غالباً درباره گذشته است؛ یعنی آنچه از حیات دیرینه است به فراموشی سپرده شده و احیاناً بطور پراکنده بین مردم باقی مانده است؛ ولی مردم شناسی در مورد جوامع فعلی و آداب و رسوم آنهاست.

۳- مطالعه فولکلور یعنی بر مدارک موزه ای و کتابخانه ای است؛ در حالی که منابع مردم شناسی، تحقیقات محلی است. (روح الامینی محمود، ۱۳۷۹: ۲۷۴)

منابع:

رنجبر محمود و ستوده هدایت الله، ۱۳۸۰. مردم شناسی (باتکیه بر فرهنگ مردم ایران)، نشر دانش آفرین: تهران
روح الامین محمود، ۱۳۷۹، مبانی انسان شناسی (گرد شهر با چراغ)، نشر عطار: تهران

مقدمه ای بر روانشناسی

با تحلیل و خوانش روانشناسانه فرهنگ عامه می‌توان در حالات روحی بشر به جستجو پرداخت و مسیرهایی که تا به امروز از آنها عبور کرده و چگونگی استفاده از ابزارهایی (مکانیسم‌هایی) که به آنها دست یافته را دریافت. روانشناسی را علم مطالعه و بررسی رفتار می‌دانند. یکی از بزرگترین تأثیرها را بر دنیای روانشناسی زیگموند فروید گذاشته است. سهم فروید در روانشناسی مدرن در اساس بر تکیه او بر جنبه‌های ناهشیار (ناخودآگاه) روان انسان استوار است. زیرا بر خلاف اندیشمندان گذشته او معتقد بود که نیروی انگیزش اغلب اعمال ما قوای روانی‌اند که سلطه خودآگاه ما بر آنها بسیار کم است و؛ محرومیت‌های اجتماعی قدرتمندی که بر برخی از غرایز وجود دارد سبب

می‌شود تا بسیاری از امیال و خاطرات ما سرکوب شوند و به اشکالی نمادین و ملبس به اطوار گوناگون در رفتار و هنر و رویا خود را نشان دهند» به دنبال اوج گرفتن پژوهش‌های روانشناسان به ویژه «فروید» در اوایل قرن بیستم، نظریه‌های او درباره‌ی ضمیر ناخودآگاه و روش روانکاوی او در حوزه‌ی نقد روانشناسی راه یافت و یکی از مکتب‌های تفسیری پر سر و صدای قرن بیستم گردید (فرزاد عبدالحسین، ۱۳۸۸: ۷۸). «شناخته شده‌ترین تحلیل‌های «فروید» از ساختار و عملکرد ذهن، الگن "نهاد"، "خود" و "فرا خود" است» (گرین و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۵).

روان انسان و ساختار سه‌گانه شخصیت (بر اساس نظر فروید):
 روان انسان که عرصه‌ی تدریلات و آرزوها و افکار و خوشایندی‌ها و نارضایتی‌ها و تنش‌ها و ترس‌ها و اضطرابات و خشمهای... اوست دارای ساختار پیچیده‌ای است که نظریات و الگوهای متفاوتی برای توضیح ساختار و عملکرد آن وضع و معرفی شده‌اند. هیچ‌الگویی کامل نیست و شاید نتواند تمام فعل و انفعالات روانی انسان را توضیح دهد اما در سالهای اخیر با نزدیکتر شدن نوروساینس و روانپزشکی، روانشناسی گامهای بلندی در این رابطه برداشته شده است. بر اساس نظریه «فروید» روان انسان از سه قسمت تشکیل می‌شود که عبارتند از: ۱- نهاد (id) ۲- خود یا من (ego) ۳- فرا خود یا فرا من (super ego).